

# ترکیب‌های اضافی در ترجمه روسی قرآن کریم

□  
احمد پاکتچی

□  
حرکت ترجمه قرآن کریم به زبان روسی، حرکتی که با آغاز سده ۱۸م پای گرفت، تا میانه قرن ۱۹م، همچون بسیاری از ترجمه‌های اروپای غربی، گرایشی به ترجمه مستقیم از متن عربی نشان نمی‌داد. از اواسط سده ۱۹م ترجمه‌های مستقیم عربی به روسی توسط تنی چند، به ویژه سابلوکف که زمینه تحصیلاتش در الهیات مسیحی بود، پایه نهاده شد و زمینه را برای ترجمه پرآوازه و زبان‌شناسانه کراچکوفسکی، در نیمه نخست سده حاضر میلادی فراهم آورد.

به عنوان مسأله‌ای فراگیر در ترجمه متون کهن دینی به زبان‌های امروزی، تقابل دو شیوه لفظ‌گرایانه و معناگرایانه، یا به تعبیری دیگر ترجمه تحت اللفظی و ترجمه آزاد در پیش روی مترجمان است. در رویارویی با این تقابل، اقدام کنندگان به ترجمه این گونه متون، با گراییدن

به شیوه‌هایی بسیار متنوع، طیفی وسیع از شیوه‌های بین‌بین دو حد نهایی «لفظ‌گرایی مطلق» و «معناگرایی مطلق» پدید آورده‌اند. اگر چه این دو حد نیز به خودی خود، حدودی فرضی و در مقام عمل دست‌نیافتنی‌اند.

پافشاری بر ترجمه لفظ‌گرایانه قرآن کریم با کم‌اعتنایی به ساختار زبان مقصد، و استفاده فراوان از ترکیب‌ها و جمله‌هایی که از عناصر فارسی و بافتی عربی برخوردارند، بدان گونه که در پاره‌ای ترجمه‌های سنتی قرآن کریم به فارسی و دیگر زبان‌های اسلامی دیده می‌شود، هرگز در جریان ترجمه قرآن به زبان‌های نوین اروپایی ملحوظ نبوده است. با وجود این، مترجمان قرآن کریم به این زبان‌ها که غالباً در جرگه خاورشناسان بوده‌اند، گاه به منظور گریز از پندارهای تفسیری رایج در میان مسلمانان، و نیز به منظور دوری‌گزیدن از ترجمه روایی و روی آوردن به ترجمه زبان‌شناختی، از راهی دیگر به ترجمه‌های نسبتاً تحت‌اللفظی بازگشته‌اند.

در واقع ارائه ترجمه‌ای از قرآن کریم که هم در جهت انتقال مفاهیم در قالب الفاظی شایسته اما قابل فهم موفق باشد، و هم از دیدگاه علمی زبان‌شناختی قابل دفاع باشد، نیازمند پدید آمدن یک فضای مطالعاتی دامنه‌دار با زمینه زبان‌شناسی تطبیقی است که بتواند ترجمه‌های مناسبی را نه تنها برای مفردات قرآنی، بلکه برای قالب‌های ترکیبی و جمله‌ای پرکاربرد در آن، فراهم سازد. نشانه‌های این اندیشه که ترجمه قرآن به زبان‌های دیگر، فراتر از ابزار زبان‌دانی، نیازمند دانشی نظام یافته است که مترجم را درباره روش‌ها و اصول عمومی این فعالیت زبان‌شناختی یاری رساند و ترجمه را تا حد ممکن از حالت فعالیت سلیقه‌ای به فعالیت علمی‌کشاند، در سده حاضر به صورتی ابتدایی و گسترش نیافته در آثار برخی مترجمان، چون پارت، بلاشر و کراچکوفسکی، به چشم می‌آید.

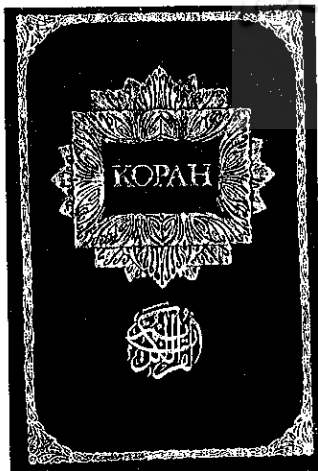
موضوع مقاله حاضر بررسی تطبیقی و ارائه پیشنهادی درباره برگرداندن ترکیب‌های اضافی به ترکیب وصفی



است. این پیشنهاد هر چند در برخوردی منفرد، بی‌قیدی نسبت به لفظ و عدول از آن تلقی می‌گردد، اما با پشتوانه مطالعه‌ای تطبیقی و روشی فراگیر، می‌تواند از صورت اعمال سلیقه غیر مجاز خارج شود و عنوان اعمال روشی نظام‌دار به خود گیرد.

به عنوان پیشگفتاری درباره ترکیب‌های اضافی و وصفی، باید گفت که در عربی و روسی، به طور کلی شباهت گسترده‌ای میان کاربری این دو گونه ترکیب دیده می‌شود و در تبیین اقسام معنایی اضافه و وصف، تقسیم‌های موجود در آثار نحوی عربی تا حد زیادی با منابع دستور روسی قابل مقایسه است. بحث از امکان جابه‌جایی میان ترکیب‌های وصفی با ترکیب‌های اضافی در ترجمه، و هم در درون دو زبان، به اندازه‌ای گسترده و پر دامنه است که پرداختن به مباحث آن، در مقاله‌ای کوتاه امکان‌پذیر نخواهد بود. برای آن که بتوان روندی کارآ و گذرا را در بحث حاضر پی‌گرفت، شاید مناسب‌تر آن باشد که گفتار به بررسی برخی قالب‌های کاربردی، محدود گردد.

به عنوان گام نخستین در بحث، می‌دانیم که برخی معانی مرکب وجود دارند که محتوای آنها در دو زبان، می‌تواند به هر دو گونه ترکیب اضافی و وصفی القا گردد؛ چنان که به عنوان نمونه ترکیب‌های «کتب النحو» و «الکتب النحویة» در عربی، و ترکیب‌های «Knigi grammatiki» و «grammaticheskie knigi» هر دو القاکننده مفهوم کتبی هستند که در دستور زبان نوشته شده‌اند. اما در یک کلی‌نگری مقایسه‌ای نسبت به کاربردها، باید گفت که در زبان روسی، در چنین مواردی بیشتر ترکیب‌های وصفی به کار برده می‌شود و در زبان عربی، گرایش بیشتر به جانب ترکیب‌های اضافی است، گرایشی که در نگاهی به تاریخ زبان عربی، در آثار قدیم‌تر با شدت بیشتری مشاهده می‌گردد. در سطور بعد نمونه‌هایی از اقسام اضافه بررسی خواهد شد که در آنها گرایش افزون‌روسی زبانان به قالب وصفی، به طور محسوسی به چشم می‌آید و بدیهی است که در ترجمه‌های قرآنی نیز رعایت این گرایش‌ها، با حصول



اطمینان از خلل نرسیدن به معنا، می‌تواند موجب برتری ترجمه از حیث فصاحت باشد.

### □ ضمایر در نقش مضاف الیهی

همواره در آثار دستوری هر دو زبان، معنای ملکیت و با قدری گسترش، تخصیص، به عنوان اصلی‌ترین معنایی شناخته شده است که از اضافه می‌تواند مراد باشد. در قرآن کریم نیز، بخش اساسی ترکیب‌های اضافی، رساننده معنای ملکی - تخصیصی است و در صدی قابل ملاحظه از این کاربردها، ترکیب‌هایی است که در آنها مضاف الیه، ضمیرهای متصل مجرور است. معنای مراد از اضافه یک اسم به یک ضمیر، از جمله مواردی است که اساساً در زبان عربی قابل ساخت به صورت ترکیب وصفی نیست و در این زبان، تصریفی برای ساختن وجه وصفی از ضمایر، پیش بینی نشده است. این در حالی است که در زبان روسی در کنار «ضمایر اسمی در حالت مضاف الیه» که معادل تحت‌اللفظی ضمایر متصل مجرور در عربی‌اند، وجوه وصفی نیز از ضمایر ساخته می‌شود که کثرت کاربرد آنها با وجوه اسمی یاد شده غیر قابل مقایسه است. کاربرد ضمایر در حالت مضاف الیه، نه تنها در روسی نوین، بلکه در روسی کهن نیز بسیار محدود بوده و اساساً در مواردی محدود و قالبی، از آن جمله تعبیرهایی روزمره (چون *radi tebya, protiv tebya, sredi nas*) کاربرد داشته است.

به طور کلی، روش عادی در ترجمه ترکیب‌های اضافی «اسم + ضمیر» از عربی به روسی، تبدیل آنها به ترکیب وصفی است که در ترجمه‌های روسی قرآن نیز به صورت یک قاعده به چشم می‌آید و حتی از مقیدترین مترجمان به لفظ متن، تلاشی در جهت ترجمه تحت‌اللفظی چنین ترکیب‌هایی دیده نشده است. آنچه می‌تواند به عنوان وجه تمایز متون کهن روسی از متون امروزی، در بحث ترجمه چنین ترکیب‌هایی سودمند افتد، تقدیم و تأخیر صفت و موصوف در ترکیب‌های ملکی - تخصیصی است. در متون کهن روسی، فرار گرفتن صفت ملکی پس از موصوف خود، نیاز به جست و جو دارد. به عنوان نمونه‌هایی از تقدم موصوف، در کنار تعبیر *Otche nash* (انجیل متی، ۹:۶) که سرآغاز نیایشی مشهور در میان عموم مسیحیان است، در بن‌بند ترجمه روسی کتاب مقدس می‌توان موارد متعددی از این دست را پی‌جویی کرد.

از آن‌جا که تقدیم موصوف بر صفت ملکی در روسی امروزی نیز، هم در زبان ادبی و هم

در زبان روزمره، در سطح محدودی کاربرد دارد و با توجه به حاکم بودن نظام حالت‌ها، در صورت کاربرد، برای شنونده هیچ گونه ابهامی در تشخیص ایجاد نخواهد شد، استفاده از این گونه ترکیب‌های وصفی در ترجمه‌های قرآن می‌تواند گونه‌ای مقبول از گرایش به سبک نگارش متون کهن باشد که در عین یاد آوری فضایی قدیم - که لازمه ترجمه‌ای از متون کهن، به ویژه مذهبی است - به اندازه کافی برای خواننده قابل فهم است. در ترجمه‌های متداول، **سابلوکوف** در حدی گسترده از این شیوه کهنه سازی متن بهره برده و قدری محدودتر، **کراچکوفسکی** نیز از آن استفاده کرده است. به عنوان نمونه در آیات آغازین سوره بقره، ترکیب‌های «ربهم» و «قلوبهم» را **سابلوکوف** در هر دو مورد با استفاده از صفت پس آیند برگردان کرده است (serdtsa ix; gospoda ix)، در حالی که **کراچکوفسکی** تنها در برخی موارد از این روش بهره برده (مانند serdtsa ix; قس. gospoda ix) و در ترجمه اخیر از گروه عثمانوف نیز، اصولاً بنا بر شیوه امروزی صفت پیش آیند نهاده شده است.

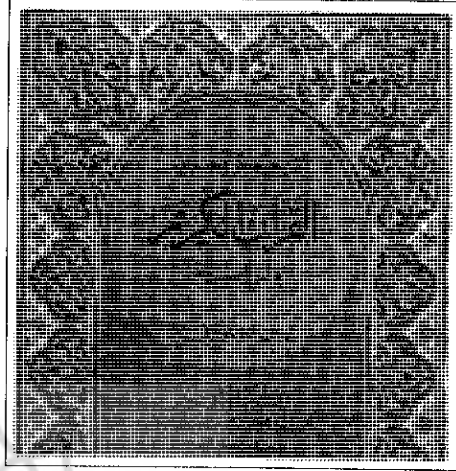
حتی برای هواداران گرایشی که بیشترین گریز ممکن از کهنگی را توصیه می‌کند، در مواردی که تأکید و تکیه بر صفت ملکی در سیاق جمله مقصود باشد، استفاده از صفت پس آیند، امری پسندیده می‌تواند بود. به عنوان نمونه‌ای از این دست، باید به ترکیب‌های «عبادی» و «جنتی» در آیه‌های ۲۹ و ۳۰ از سوره فجر اشاره کرد که در ترجمه آن، عبارت **سابلوکوف** (slug moix; rai moi)، نسبت به عبارت‌های روز مره **کراچکوفسکی** (moimi rabami; moi rai) و گروه عثمانوف (moix rabov; moi rai)، از حیث تأکید بر انتساب ویژه این عباد و این جنت به خداوند، رساتر به نظر می‌رسد.

#### □ ترکیب‌های اضافه لفظی

در اصطلاح سنتی میان عالمان نحو عربی، اضافه لفظی گونه‌ای از اضافه است که در معنا، مفید تعریف و تخصیصی برای مضاف خود نیست و در ساخت واژه‌ای، مضاف آن، به اصطلاح «صفت شبیه به فعل مضارع»، و در بسیاری از موارد، اسم فاعل است. جالب توجه آن است که در منابع دستور روسی نیز، به هنگام سخن از موارد استفاده از حالت مضاف الیهی (Roditel' nyi padezh)، یکی از موارد استعمال معمول آن را درباره فاعل واقعی فعلی دانسته‌اند که پس از اسماء مشتق از فعل قرار گرفته باشد. البته در زبان امروزی روسی، به

کارگیری این نوع ترکیب‌ها که در آنها رابطه فعل و فاعل در قالب ترکیبی اضافی بیان می‌شود، از رونق افتاده و تا حدی صورت کهنگی به خود گرفته است.

در ترجمه‌های موجود قرآن به روسی، بسیار محدود می‌توان به نمونه‌هایی دست یافت که ترکیبی از نوع اضافه لفظی، به گونه‌ای تحت اللفظی به ترکیب اضافی برگردان شده باشد. به عنوان نمونه‌ای از این دست می‌توان به تعبیر «المقیمى الصلوة» (حج / ۳۵) اشاره کرد که در ترجمه سنتی سابلوکوف و ترجمه زبان‌شناسانه کراچکوفسکی با ترکیبی اضافی جایگزین شده‌اند (Kr. vystaivayushchix molitvu; postayanny v molitve قس: برگردان به صورت فعلی در ترجمه گروه عثمانوف،



نمونه‌ای دیگر، تعبیر «متخذات اخدان» (نساء / ۲۵) است که در ترجمه‌های سابلوکوف و کراچکوفسکی به صورت اضافی برگردان شده‌اند (Kr. berushchim pryatelei ; Sab. neimevshimi lyubovnikov قس: برگردان به صورت صفت مرکب vozlyublennymi در ترجمه گروه عثمانوف).

اگر چه نمونه‌هایی از برگردان لفظ به لفظ یاد شده، در دو ترجمه مذکور نایاب نیست، اما گرایش عمومی در میان مترجمان روسی قرآن، درباره چنین ترکیب‌هایی، ترجمه آن به صورت جمله‌ای برمدار فعل بوده است. بر این پایه و در ترجمه بسیاری از تعبیرهای قرآنی از این دست مانند «متوفیک و رافعک» (آل عمران / ۵۵)، «کاشفوا العذاب» (دخان / ۱۵) و «منجوهم» (حجر / ۵۹)، ترجمه‌هایی فعلی و بدون استفاده از ترکیب اضافی ارائه شده است. به عنوان ملاکی برای مقایسه، باید یادآور شد که در ترجمه‌های متداول روسی از کتب عهدین، نمونه‌هایی دیده می‌شود که نشان می‌دهد چگونه مترجمان کتاب مقدس، در برخورد با مواردی مشابه از کاربرد ترکیب‌های اضافی، بر به کارگیری ترکیب‌هایی همسان در برگردان روسی پای فشرده‌اند و گاه در بندی واحد از کتاب مقدس، چندین ترکیب از این دست را بدون نگرانی از پیچیدگی عبارت، در پی هم آورده‌اند. از نمونه‌های کاربرد این نوع

ترکیب‌های اضافی، می‌توان به بندهای ۴۴ و ۴۶ از باب پنجم انجیل متی اشاره کرد که آرایش ریختی عبارات آن در اصل یونانی، آرایشی متکی بر اضافه است و همین آرایش در ترجمه‌های گوناگون انجیل متی، از جمله ترجمه‌های عربی، اسلاوی و روسی کهن بازتاب یافته است.

نمونه‌هایی از این عبارات در عهد جدید، اگر چه از الگوی یونانی اناجیل، و در مرحله‌ای پسین از تحریر اسلاوی عهد جدید، تأثیری انکار ناپذیر گرفته‌اند، اما همین نکته که این گونه برگردان‌ها، هم امروز نیز در اناجیل روسی، روزانه خوانده می‌شوند، تأییدی بر آن است که ترجمه ترکیب‌های اضافه لفظی از عربی به ترکیب‌های همسان روسی، می‌تواند از گونه تعبیر کهنه، اما قابل فهم برای مخاطبان امروزی تلقی گردد که در ترجمه متون قدیم، نه تنها نیازی به گریز از آن نیست، بلکه به عقیده بسیاری، کهنگی نسبی زبان در ترجمه چنین متونی بر ارزش و پذیرش ترجمه خواهد افزود.

اما برای هواداران گرایشی در ترجمه متون کهن که کهنگی عبارت را در کمترین حد خود بر می‌تابد، باید یادآور شد که استفاده از ترکیب‌های اضافی، دست کم در پاره‌ای از موارد که تکیه‌ای ویژه بر همیشگی و ثابت بودن موضوعی به عنوان یک سنت الهی دارد، می‌تواند بر ترجمه فعلی ترجیح داده شود. به عنوان نمونه می‌توان به تعبیر قرآنی «ذائقة الموت» (آل عمران / ۱۸۵)، اشاره کرد که در برگردان آن، شاید نسبت به تعبیر فعلی (vkusit smert' / vkushaet smert') در ترجمه‌های موجود، تعبیر اضافی vkushayushchii smerti در رسایی، مرجح بوده باشد.

در پایان باید به مواردی از اضافه لفظی اشاره کرد که در آنها بخش دوم ترکیب، یعنی مضاف الیه از نظر دستوری مصدر است و از نظر مفهوم واقعی، ترکیب اضافی در مقام آن است که معنای اسم فاعلی را با قیدی خاص بیان دارد. به عنوان نمونه، می‌توان به تعبیر قرآنی «شدید العقاب» (بقره / ۱۹۶) اشاره کرد که به تعبیری کهن، باید آن را به صورت «شدید فی العقاب» و به تعبیری امروزی «المعاقب بشدة» تحلیل نمود. با این مقدمه، در تحلیل نمونه‌هایی از این گونه ترکیب‌های اضافی قرآنی در ترجمه‌های روسی، باید یاد آور شد که مترجمان با درک درستی از متفاوت بودن این ترکیب‌ها، نسبت به دیگر ترکیب‌های اضافی، بیشتر سعی در بیان مفهوم آن در قالب تحلیل کهن «... فی ...» داشته‌اند. مبنای بودن این شیوه، در بررسی نمونه‌ها، چون تعبیر «سریع الحساب» (بقره / ۲۰۲) (Osm. skor na raschet ; Kr.)

(مریم / ۵۴) «صادق الوعد» (bystr v raschete; Sab. skor v rashchete) و تعبیر «صادق الوعد» (مریم / ۵۴) Kr. pravdiv v obeshchannom / Sab. veren v ispolnenii svoego obeshchniya قس:

ترجمه فعلی گروه عثمانوف: (ispolnyal obeshchanie)، به خوبی به چشم می آید. در ترجمه چنین ترکیب‌هایی که در بررسی مفهوم، باید آنها را به یک صفت با تکیه به قیدی خاص تحلیل کرد، می توان به عنوان یک پیشنهاد، ترجمه آنها را به صورت وصفی مرکب اما تک واژه‌ای، مطرح نمود که با توجه به ویژگی‌های ریخت شناختی زبان روسی، برخلاف عربی، امکان ساختن چنین صفت‌هایی در این زبان وجود دارد. در واقع نظیر صفات ترکیبی پرشماری که در زبان روسی با قیدهای پیشانید - blago، - udobno و غیر آن، به وفور ساخته می شود، در دو نمونه یاد شده نیز امکان ساخت صفت‌هایی ترکیبی با پیشانید - sil'no (شدید) و - skoro (سریع) وجود دارد.

#### □ ترکیب اضافه بیانی

آنچه در منابع دستوری متأخر با تعبیر اضافه بیانی خوانده شده است، گونه‌ای ترکیب اضافی است که در آن، مقصود از آوردن مضاف الیه، بیان یکی از ویژگی‌های مضاف، مانند جنس یا ظرف آن است. در متون نحوی قدیم عربی، که اقسام اضافه را بر اساس حرف جرّ مستتر در آن تحلیل می کرده‌اند، از این گونه اضافه، همواره سخن به میان آمده و در آن حرف جرّ «من» یا «فی» مستتر دانسته شده است.

در باره اضافه بیان کننده جنس، پیش از هر سخن باید یادآور شد که چنین اضافه‌هایی در زبان قرآن کریم اندک به کار رفته است، اما همین اندک موارد، مترجمان قرآن را دچار اختلاف روش ساخته است. در مقام گفت و گو از گرایش غالب در میان ترجمه‌های موجود، می توان یادآور شد که برگردان این گونه اضافه در ترجمه‌ها، بیشتر تحت تأثیر صورت تحلیلی «... من ...» قرار گرفته و «من» تقدیری، در ترجمه‌ها با حرف اضافه «iz» جایگزین گشته‌اند. به عنوان نمونه، چنین برخوردی در برگردان تعبیرهای قرآنی «ثیاب سندس خضر...» (انسان / ۲۱) در ترجمه‌های ساپلوف و کراچکوفسکی، تعبیر «لحم الخنزیر» (بقره / ۱۷۳) در ترجمه کراچکوفسکی، تعبیر «شركاء الجن» (انعام / ۱۰۰) در ترجمه همو و تعبیر «شیاطین الانس و الجن» (انعام / ۱۱۲) در هر دو ترجمه به چشم می آید.

بدون آن که در صدد ارائه پیشنهادی قابل تعمیم در تمام نمونه‌های اضافه بیان جنس در



قرآن کریم بوده باشیم، باید یاد آور شویم که گاه می‌توان این ترکیب‌های اضافی را در روسی با ترکیب‌های وصفی جایگزین کرد. در جست و جو به دنبال نمونه‌هایی از به کارگیری این روش در ترجمه‌های موجود، می‌توان به ترجمه منحصراً به فرد **سابلوکوف** در برگردان عبارت «لحم الخنزیر» (بقره / ۱۷۳) به صورت ترکیب وصفی (svinoe myaso) اشاره کرد. اگر چه باید اظهار داشت که در ترجمه‌های موجود از قرآن کریم، نمونه‌هایی از این دست، از حیث شماره قابل ملاحظه نیست، اما باید در نظر داشت که ترکیب‌های کارآ برای بیان معنای مورد نظر از اضافه بیان جنس، در زبان روسی چه در متون قدیم و چه در زبان امروزی، ترکیب‌هایی وصفی از نوع صفات نسبی (prilagatel'noe otnositel'noe) است و در ترجمه قرآن کریم نیز، باید به دنبال الگویی برای گسترش کاربرد ترکیب‌های وصفی به جای ترکیب‌های اضافی بیان جنس جست و جو کرد.

گونه‌های دیگر از اضافه بیانی، اضافه بیان ظرف است که در آثار نحویان کهن، به صورت «... فی ...» تحلیل، و اضافه در آن، به مفهوم ظرفی، اعم از زمانی یا مکانی بازگردانیده شده است. اگر چه شرایط این گونه از اضافه بیانی، از بسیاری جهات با اضافه بیان جنس، یکسان است، اما برگردان ترکیب اضافی به وصفی در ترجمه‌های روسی، در نمونه‌های این گونه اضافه، پیشینه‌ای وسیع تر دارد. در واقع برگردان ترکیب‌های بیان ظرف بر پایه تحلیل آن به «... فی ...»، تنها از نمونه‌هایی محدود برخوردار است که آن نیز در ترجمه زبان‌شناسانه **کراچکوفسکی** به چشم می‌آید. از نمونه‌های این گونه ترجمه، می‌توان به برگردان «خلفاء الارض» (نمل / ۶۲) و «صلوة الفجر» (نور / ۵۸) در ترجمه **کراچکوفسکی** اشاره کرد، در حالی که همو در برگردان ترکیب «صلوة العشاء» در همان آیه به استفاده از ترکیب وصفی (molitvy vechernei) عدول کرده است.

**سابلوکوف** نیز در ترجمه خود، در مورد اضافه بیان ظرف، روشی واحد اتخاذ نکرده و با وجود تکیه بر شکل اضافی در برگردان تعبیر «خلفاء الارض» (نمل / ۶۲)، برای ترجمه تعبیرهای «صلوة الفجر» و «صلوة العشاء» (نور / ۵۸)، از ترکیب وصفی (utrennei molitvy; vechernei molitvy) بهره جسته است.

گفتنی است که **سابلوکوف** و در پی او **کراچکوفسکی**، در ترجمه ترکیب‌های «صيد البحر» و «صيد البر» (مائده / ۹۶)، که در قالب الگوی «... من ...» یا در قالب ترکیب وصفی ترجمه پذیرند، در برگردان ترکیب‌های یاد شده، بر پایه الگوی «... فی ...»، از دو حرف اضافه «۷» و

«na» (به معنی در) بهره جسته‌اند که در حاصل معنای دقیقی را نمی‌رسانند؛ چه بر پایه این ترجمه، آنچه بر فرد مُحَرِّم، حلال گشته «صید در دریا» و آنچه بر او حرام گشته «صید در خشکی» است، در حالی که حکم حرمت و حلیت، ابدأً منوط به محل صید نبوده است. قرینه عطف «طعامه» به صید در آیه مورد بحث، خود نیز تأکیدی افزون بر آن است که این اضافه را باید اضافه‌ای تخصصی، در قالب تحلیل «... ل...» تلقی کرد.

در خاتمه باید یادآور شد که در کنار اضافه‌های لفظی و اضافه‌های بیان جنس و بیان ظرف، بخش اصلی ترکیب‌های اضافی در زبان عربی را ترکیب‌هایی تشکیل می‌دهند که رساننده معنای ملکیت یا تخصیص‌اند و به تعبیر نحویان، می‌باید آن را به صورت «... ل...» تحلیل نمود. اگر چه بسیاری از ترکیب‌های اضافی عربی از این نوع، در برگردان روسی به سادگی به ترکیبی همسان به صورت مضاف و مضاف الیه قابل ترجمه‌اند، اما دیگر بار باید بر این نکته تأکید نمود که کاربرد گسترده ترکیب‌های اضافی در زبان عربی و محدودیت نسبی ترکیب‌های وصفی منسوب، به ویژه در عربی کهن، تفاوتی قابل ملاحظه میان دو زبان، در میزان کاربرد ترکیب‌های اضافی را سبب می‌شود که این تفاوت باید در ترجمه مورد توجه قرار گیرد. نمونه‌هایی که در این مقاله کوتاه مورد بررسی قرار گرفت، مقدمه‌ای است بر پژوهشی گسترده‌تر درباره این که با وجود اعتقاد به علمی بودن ترجمه‌های زبان‌شناختی، تا چه حد می‌باید بر ترجمه تحت اللفظی چنین ترکیب‌هایی پای فشرود.

گرایش به ترجمه طیفی از ترکیب‌های اضافی عربی به ترکیب‌های وصفی روسی که در این مقاله به عنوان پیشنهاد مطرح گردیده، با تکیه بر اصل تقید به لفظ در ترجمه، بر این منطق استوار است که مترجم به همان اندازه که مجاز است واژه را در زبان مبدأ و مقصد تحلیل معنایی کرده، معادل مناسبی برای واژه در زبان مقصد بیابد، به همان اندازه سزاوار است که با تحلیل قالب‌های ترکیبی در دو زبان و مقایسه آنها با یکدیگر، رساترین قالب برگردان را در زبان مقصد بجوید. از نظر علمی، این عدول نسبی یا به تعبیری دقیق‌تر، عدول ظاهری از لفظ، صرفاً مبتنی بر برداشت و تجربه شخصی نمی‌تواند بود و به همان سان که انتخاب واژه به جای واژه، الزاماً باید مبتنی بر دانشی نظام‌دار و شناخته شده، یا دست کم قابل فهم در محافل علمی بوده باشد، گزینش الگوهای ترکیبی نیز به همان اندازه می‌باید بر پایه‌ای علمی استوار باشد.

□ منابع تحقیق

- زجاجی، الجمل، با شرح ابن هشام انصاری، به کوشش علی محسن عیسی مال الله، بیروت، ۱۴۰۶ق / ۱۹۸۶م، ص ۱۵۵.
- ابن هشام انصاری، مغنی اللیب عن کتب الاعراب، به کوشش مازن مبارک و محمد علی حمدالله، بیروت، ۱۹۷۹م.
- رضی الدین استرآبادی، شرح شافیه ابن حاجب، به کوشش محمد نورالحسن، محمد زفزاف و محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت، ۱۳۹۵ق / ۱۹۷۵م.
- رضی الدین استرآبادی، [شرح] الکافیة فی النحو، بیروت، ۱۳۹۹ق / ۱۹۷۹م.
- عبدالغنی الدقر، معجم النحو، دمشق، ۱۳۹۵ق / ۱۹۷۵م.
- پاکتچی، احمد، «گزارشی کوتاه درباره ترجمه‌های موجود از قرآن کریم به روسی»، تهیه در تهران، ۱۳۷۴ش؛ محفوظ در مرکز ترجمه قرآن مجید، قم.
- الکتاب المقدس، کتب العهد القديم و العهد الجديد، دارالکتاب المقدس، قاهره، ۱۹۸۲م.
- Koran*, tr. G.S. Sablukov, Kazan, 1907.
- Koran*, tr. I. Yu. Krachkovskii, Moscow, 1963.
- Koran*, tr. N. O. Osmanov et al., Moscow, 1992.
- E Kaine Diatheke, *The greek version of New Testament*, London, 1949.
- Svyatoe Evangelie, The slavic version of the New Testament Gospels*, Saint Petersburg, 1914.
- Bibliya, Vetxogoi Novogo Zaveta*, Bibleiskie Obshchestva, Moscow, 1992.
- Blachère, R., *Introduction au Coran*, Paris, 1959.
- Ivanov, V. V., *Istoricheskaya grammatika russkogo yazyka*, Moscow, 1990.
- Vinogradov, V. V. et al., *Grammatika ruskogo yazyka*, Moscow, 1960.
- Zemskaya, E. A., *Interfiksatsiya v sovremennom russkom slovoobrazovanii. Razvitie grammatikii leksiki sovremennogo russkogo yazyka*, Moscow, 1964.
- Axmanova, O. S., *Slovar' ligvisticheskix terminov*, Moscow, 1969.